



نوشین احمدی خراسانی

بی بی خانم

بنیادگذار اولین مدرسه‌ی دخترانه در ایران

از جمله زنان کشور - را به تحرک واداشته بود. اما حرکت فرهنگی و شجاعانه‌ی بی بی خانم در تأسیس اولین مدرسه‌ی دخترانه، با مخالفت‌های بسیار مواجه شد. حتی کلمه‌ی «دوشیزه» واکنش‌های منفی بسیاری برانگیخت!

وقتی حکومت استبدادی، مجلس را به توپ بست، عده‌ای فریاد می‌زدند که: «برآن مملکتی باید گریست که در آن دبستان دوشیزگان باز شده است». اما بی بی خانم استرآبادی مؤسس این دبستان در برابر تهمت‌ها و هجوم‌های بسیار، صبورانه ایستادگی کرد و بنیادی را پی ریخت که تمامی زنان این مرز و بوم را وامدار حرکت نوآرانه‌ی خود ساخت، اگرچه در آن زمان مجبور شد که از پذیرفتن دختران بیش از ۶ سال خودداری کند و کلمه‌ی دوشیزه را نیز از تابلوی سردر مدرسه‌ی خود پاک سازد.

بی بی خانم مدرسه‌ی دوشیزگان را در خانه‌ی خود و به همراه دو دخترش اداره می‌کرد و بعد از گذشت چند سال، منزلی دیگر را اجاره کرده و در

هنرهای یدی، از قبیل کاموادوزی، زردوزی، خامه‌دوزی، خیاطی و غیره تعلیم می‌شود. تمام معلمان از طایفه اناتیبه هستند و به‌غیر از یک پیرمرد قاپوچی مردی در این مدرسه نخواهد بود. شاگرد از هفت الی دوازده سال قبول می‌شود. اطاق ابتدایی ماهی پانزده قران، اطاق علمی ماهی ۲۵ قران. به‌فقرت تخفیف داده می‌شود. هر دو نفر شاگرد یک نفر مجاناً قبول می‌شود. امید است که در وطن عزیز ما هزاران از این مدارس افتتاح شود.»

امضاء بی بی خانم

هنگامی که در ۹ صفر ۱۳۲۴ قمری (۱۲۸۶ شمسی) این اعلان در روزنامه‌ی مجلس منتشر شد، بی بی خانم کار مدرسه‌اش را با بیست شاگرد شروع کرده بود. در این ایام ملت ایران تازه طعم شیرین نظام مشروطیت را می‌چشید و از دور برکار مجلس تازه تأسیس خود (مجلس شورای ملی) نظارت می‌کرد. نرمة نسیم آزادی، همگان -

انهم صفر امسال نود و دومین سالروز تأسیس نخستین مدرسه‌ی دخترانه‌ی ایرانی است. در گرامسیداشت یاد بی بی خانم و تلاش‌های بی‌امانش در راه رفع تبعیض فرهنگی، نوشته زیر را می‌خوانیم «تا نگویند که از یاد فراموشاننده»]

«مدرسه‌ی جدید موسوم به دبستان دوشیزگان نزدیک دروازه‌ی قدیم محمدیه بازارچه‌ی حاجی محمد حسن افتتاح شده است. این مدرسه خیاطی است بزرگ و اطاق‌های متعدد با تمام لوازمات مدرسه‌ای. از برای افتتاح این مدرسه پنج معلمه تعیین شده است که هرکدام یک درس می‌دهند از قبیل نخست‌نامه، مشق قلم، تاریخ ایران، قرانت، کتاب طباخ، قانون، مذهب، جغرافیا، علم حساب. برحسب قوه‌ی هر دختر و خانمی این علوم تدریس می‌شود. به‌علاوه اطاق هم معین شده است که در آن جا

آن جا به غیر از دختران برای زنان نیز کلاس اکابر تأسیس کرد. وی که زنی باتقوا و بسیار درست کار بود زندگیش را برای آموزش دختران و زنان بی سواد وقف کرده بود و در این راه به بطریقی خستگی ناپذیر تلاش کرد.

بی بی خانم استرآبادی (بی بی خانم وزیری) در سال ۱۲۳۷ شمسی به دنیا آمد و پیش از بیست سال داشت که با موسی خان وزیری (میرینج) ازدواج کرد و ۷ فرزند به دنیا آورد - ۲ دختر و ۵ پسر. خانه‌ی او محل رفت و آمد افراد تحصیل کرده و هنردوست بود. مادرش زنی باسواد و ملاجیحی حرم ناصرالدین شاه و نیز مظفرالدین شاه بود و بالطبع او نیز در دربار بزرگ شد و سواد آموخت. اما با این احوال، بی بی خانم بعدها یکی از طرفداران پر و پا قرص مشروطه شد و با استبداد و حکومت خودکامه مخالفت ورزید.

وی در طول زندگی اش چه آنجا که با قلم بر مخالفان سوادآموزی زنان می تاخت و چه آنجا که با همت بلند خود به تأسیس مدرسه‌ی دخترانه اقدام کرد، همواره معتقد بود که دختران باید مانند پسران تحصیل کنند و علم بیاموزند به طوری که در مورد فرزندان خود نیز چنین کرد و دخترانش را نیز با علم و دانش آشنا ساخت و آن چنان در این امر پافشاری می کرد که دخترش «افضل وزیری» را در لباس پسرانه به همراه برادرهایش به مدرسه‌ی پسرانه فرستاد. بدین ترتیب بود که افضل وزیری یکی از نویسندگان و معلمان مدرسه‌ی دوشیزگان شد و خواهر بزرگ ترش «مولود» نیز در سال ۱۲۹۰ شمسی راه مادر را دنبال کرد و مدرسه‌ی دخترانه‌ی «پرورش دوشیزگان» را بنیاد نهاد.

بی بی خانم زنی هوشمند و شوخ طبع بود که عقایدش را بی پروا بیان می کرد. در سال ۱۲۷۵ شمسی بود که نخستین کتاب زنانه - معايب الرجال - را در ایران با خشم و عاطفه‌ای مسئولانه علیه کتاب تأديب النساء به نگارش درآورد و با شهامت، اندرز نویسانی را که خود را متولی و معنم زنان می شمردند به سخره گرفت. همان طور که در کتاب تأديب النساء آمده، نویسنده، شوهرداری را در خدمتکاری و

عبودیت مطلق زن می داند و از این رو می نویسد: «رضای شوهر رضای خداست، و غضب شوهر غضب خدا» و یا اندرز می دهد: «هرزنی که بشوید جامه‌ی شوهر، خود را پاک می سازد و حق تعالی جمیع گناهان زن را» می بخشاید و در ادامه کسارهایی را که زن باید انجام دهد برمی شمارد. این چنین است که بی بی خانم با خواندن این کتاب برمی آشوبد و قلم به دست می گیرد و می نویسد: «این عبارت پردازان مهمل گو که می خواهند بساط تمدن را برچینند و انسانیت را تمام کنند، در قالب مغز متحجر خود تمام عالم را مثل خود فرض نموده و به اندازهی وضع و خیالات خود ترتیب زندگانی و دستورالعمل به اهل عالم می دهند... مردم می دانند که این نصایح برای تأدیب ما نیست. برای اثبات خود ظلم بر مظلوم است - به ما درس تقوی می دهند و خود فراموش می کنند که عبادت جز خدمت خلق نیست. ما که در حرم اندرون و کنج مطبخ بودیم پس این همه فساد را اینان بپا کردند.» بی بی خانم ادامه می دهد: «منظور از این تأدیب و تربیت [سروان] تثبیت ستمکاری مردان است.»

از بی بی خانم نوشته‌های دیگری نیز به جای مانده که در نشریات اوایل انقلاب مشروطه مانند «مجلس»، «تمدن» و «حیل المتین» به چاپ رسیده است. این نوشته‌ها یا به صورت نامه و یا سخنرانی هستند که در آن‌ها وی به دفاع از مدارس دخترانه و ضرورت تحصیل دانش برای زنان پرداخته است. به طوری که در گزارش وزارت معارف در آن زمان چنین آمده است: «این مدیره محترمه اول زنی است که توانسته است برای تربیت دختران وطن چنین اساسی را بدین خوبی و پاکیزگی تشکیل نماید.»

بی بی خانم در روزنامه‌ی «تمدن» در سال ۱۲۸۷ شمسی می نویسد که بعضی افراد «نظر به منافع شخصی، دیدند زن‌های این پایتخت اگر چیزفهم شوند زیر بار ظلم آنان نخواهند رفت و حقوقی که سالیان دراز برده و خورده‌اند با نزدشان مانده خواهند خواست و از صفات ذمیمه و اخلاق بد دوری خواهند جست، حقوق خود و حدود دیگران را خواهند شناخت و

نخواهند گذاشت ظالمان مال صغیر و کبیر و اثاث و ذکور را بخورند.»

بی بی خانم در کنار این مجموعه فعالیت‌ها، شب‌های جمعه در منزل خود، دوره‌های زنانه برقرار کرده بود و در این جلسات برای زن‌ها و دخترهایی که در مجلس حاضر می شدند به سخنرانی می پرداخت و آن‌ها را به حقوق خویش آشنا می ساخت.

سرانجام بی بی خانم پس از ۶۲ سال تلاش بی وقفه و آگاه گرانه، به سال ۱۳۰۰ شمسی در حالی که برنامه‌های بسیار زیادی برای روشن کردن ذهن زن بی حقوق ایرانی در سر می پروراند، چشم از جهان فرو بست. با مرگ وی، نهضت بیداری زنان ایران، یکی از خدمت‌گزاران دلسوخته و آگاه خود را از دست داد.

از میان ۵ پسر او علیرضا وزیری به پشتیبانی از قیام کلنل محمدتقی پسیان برخاست و پس از شکست آن قیام و کشته شدن کلنل پسیان محکوم به اعدام شد. حسنعلی وزیری نیز از شاگردان کمال‌الملک بود و معاونت او را در مدرسه‌ی صنایع مستظرفه به عهده داشت.

روح‌الله خالقی در کتاب «سرگذشت موسیقی ایران» از مادر علینقی وزیری یعنی بی بی خانم چنین یاد می کند: «مادرش زن آزادمنش متجددی بود و از اولین زنانی است که مدرسه دخترانه دایر کرد. به موسیقی هم وارد بود...» علینقی وزیری که به پدر موسیقی نوین ایران شهرت یافته است، چنین مادری داشت. شاید بی مناسبت نباشد که بی بی خانم را نیز مادر آموزش نوین زنان در ایران بنامیم.

منابع:

نجم‌آبادی، افسانه، «بی بی خانم استرآبادی و افضل وزیری»، - نیویورک، سال ۱۳۷۵
- ناهید، عبدالحسین. «زنان ایران در جنبش مشروطه»، - تبریز، نشر احیا، ۱۳۶۰
- آدمسیت، فریدون و هما ناطق، «افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر شده‌ی دوران فاجار»، - تهران، انتشارات آگاه ۱۳۵۶.